

### یعنی در وهله اول، ارگان دارای شناسنامه و ثبت حقوقی باید درخواست مجوز بدهد؟

البته به این معنا نیست که فقط احزاب حق برگزاری تجمع را داشته باشند. یک جمعی هم می‌توانند با معرفی خودشان تقاضای تجمع کنند. یک جمع شناسنامه‌داری باید برای درخواست مجوز مراجعه کنند، احزاب، سمن‌ها یا اصناف؛ در هر حال باید درخواست‌کنندگان تجمع، شناخته شده و دارای شناسنامه باشند.

**اما عده‌ای از حقوقدانان دیدگاه‌شان این است که اگر صدور مجوز برای تجمعات منوط به درخواست احزاب، سمن‌ها، مؤسسات و تشکل‌ها بشود، مغایر با اصل ۲۷ قانون اساسی است.**

لازم نیست احزاب باشند. هر گروهی می‌توانند تقاضای مجوز تجمع کنند ولی چند نفر مسئول شوند، تقاضا کنند و مسئولیت آن را تا حدی که مربوط به تجمع‌کنندگان است بر عهده گیرند. نباید اجتماع به اختلال در نظم منجر شود، اجتماع باید به بیان نقدها و مطالبات از زبان عده‌ای منجر بشود که مسئولان کشور بفهمند این جمع چه نظری دارند. شب‌نامه که نمی‌خواهند پخش کنند! می‌خواهند بیایند و موضع و حرفشان را بیان کنند که به استنباط خودشان مشکلی را حل کنند. باید معلوم باشد چه کسی دارد این حرف را می‌زند. معلوم باشد چه کسی این جمع و نظم و انتظامات آن را بر عهده دارد.

**بر عکس کسانی که بر اساس مفاد اصل ۲۷ نظارت پیشینی را به کل رد می‌کنند، بعضی معتقدند باید بر تجمعات نظارت پیشینی وجود داشته باشد؛ یعنی موضوع تجمع، شعارها و اسامی افرادی را که می‌خواهند آنجا حرف بزنند اعلام کنند تا مجوز بگیرند.**

بله، دو نظر وجود دارد اما قانون تا الان این بوده است که مجوز بگیرند و تجمع برگزار کنند و دیگر در این امور مداخله نمی‌کرده است. قانون می‌گوید فقط مجوز بگیرد البته یک تعدادی هم به این قانون، کار نداشتند، معمولاً تجمعات صنفی را همین طوری می‌رفتند و بدون مجوز برگزار می‌کردند، اما آنچه که در قانون آمده، لزوم اخذ مجوز بوده، یعنی نظارت پیشینی. البته یک نظر هم این است که فقط نظارت پسینی باشد، یعنی هرکس، هرکجا که می‌خواهد برود فقط به فرمانداری اعلام کند و خبر بدهد، فرمانداری را در جریان بگذارد که ما می‌خواهیم برویم تجمع کنیم شما هم در جریان باشید. این مقداری کار را سخت می‌کند و موافقان کمی با این نظر وجود دارند.

**شما پیش از این نقدی بر نگاه تنگ‌نظرانه به اصل ۲۷ داشتید. منتقدان این نگرانی را دارند که اگر نظارت پیشینی باقی بماند و شعاع دایره نظارت هم زیاده‌تر بشود، آن تنگ‌نظری افزایش یابد.**

من خودم به نظارت پیشینی معتقدم و آن را نظارت بی‌مورد نمی‌دانم؛ چون بالاخره نظم عمومی در دنیا خط قرمز همه است. نباید در زندگی مردم اختلال درست بشود. هیچ‌کس نباید اعمال حق خود را وسیلهٔ اضرار به دیگران قرار بدهد، این هم برآمده از قانون اساسی است. اصل ۴۰ می‌گوید هیچ‌کس نمی‌تواند اعمال حق خویش را وسیلهٔ اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد. من حق دارم اعتراض کنم، اما نباید موجب اضرار به دیگران بشوم، نباید زندگی مردم را مختل کنم. نباید نظم عمومی را به هم بزنم. نباید اموال عمومی